

بلاغت کاربردی
کارشناسی ارشد
جلسه سوم
مدرس: دکتر دارابی

بدیع لفظی
انواع جناس ناقص
(غیر تام)

جناس لفظ

دو واژه در تلفظ یکسان، اما در املا و نوشتار با هم تفاوت داشته باشند.

گریکی زین چهار شد **غالب**

جان شیرین برآید از **قالب**

خوارم ز تو آن چنان که گر میرم

از گل بدمد به جای گل **خارم**

دنیا صنم تست چو **آزر**، چه پرستیش

آذر به تو زد این صنم، **آذر** به صنم زن

جناس مرکب

یکی از دو پایه جناس، از دو یا چند واژه ساخته شده باشد این جناس، دو نوع است:

جناس مرکب مفروق

جناس مرکب مقرون

جناس مرکب مفروق
دو واژه در تلفظ یکسان باشند، اما در نوشتار اختلاف دارند و یکی بسیط و دیگری مرکب است.

درمان طلبیدم گر زان لعلِ شفا بخش
چنان چو می رفت چرا زیست تنم
بر صانعی که روی بهشت آفرید و ری

خورشید که نور دیده آفاق است
گر نسیم سحر از زلف تو بویی آرد

گفتا که بیا چندی چون حلقه بر این در، مان
بی تو دارم عجب از زیستتم
خاقانی! آفرین خوان، خاقانی آفرین
ای خاقانی! ستایشی بگو، آفرینی که شایسته خاقان باشد
تا، بنده نشد پیش تو تابنده نشد
جان فشانیم به سوغات نسیم تو نه، نسیم

جناس مرکب مقرون

دو پایه جناس، در گفتار و نوشتار یکسان باشند و سرِ هم نوشته شوند.

در بند مکن خیره طلب مُلکتِ دارا
به گه کارکرد، **خروارند**

در بند مدارا کن و **در بند** میان را
گر به **خروار** بشنوند سخن

خروار اول: بسیار / دوم: مانند خر

جناس مضارع

اختلاف صامت‌های آغازین کم باشد و صامت‌ها قریب‌المخرج باشند.

حالی سبب سیاه حالی است
به خون غلتیده‌ای هر **گام** دارند

علمی که ز ذوق شرع **خالی** است
بتان قتلِ اسیران **کام** دارند

جناس لاحق

اختلاف صامت‌ها، در وسط باشد.

گلخن با دانا گلشن شود

دینار نمی‌خواهم من عاشق دیدارم

برق است و ابر دُرُفشان آینه و پیلِ دمان

گلشن با بی‌خردان گلخن است

اغیار نمی‌جویم، من شیفته یارم

بر نیلگون فرش از دهان، عاجِ مُطرا ریخته

آینه: طبل بزرگی که بر پشت پیل می‌نهادند.

نیلگون فرش: استعاره از زمین.

عاج مطرا: استعاره از برف.

جناس خط

بین دو کلمه، در نقطه اختلاف باشد.

به چهرش زلف بر **عنبر عبیر** است

تویی که بلبل طبع تو بر **بساط نشاط**

نیل دهنده تویی به گاه عطیت

همان بهتر که **نوشی** اندرین مدت می صافی

پیل دهنده تویی به گاه کینه‌گزاری
همان خوشتر که **پوشی** اندرین موسم، خزِ ادکن

خزِ ادکن: خز تیره که از پوست جانوری شبیه سمور به دست می‌آمد.

جناس مُحرّف

دو واژه در حرکت با هم اختلاف دارند.

با **خُم** باده و با گردش ساغر سازم
ترک این کار، به کام دل ما نتوان کرد
به **رُستم** رسته گشت از چاه، بیژن
هم بهشت **عَدَن**، هم در **عَدَن** بگریستی

سازگار ار نشود گردش این نیلی **خَم**
غمزه گر تشنه خون است **بُکش** تیغ و **بُکش**
به وحدت **رَستم** از غرقابِ وحشت
کو صبا خُلّقی که از تشویرِ جاه و جودِ او
عَدَن: جاودانی / **عَدَن**: شهری در یمن.

جناس اشتقاق
دو واژه دارای یک ریشه هستند و از یک خانواده می‌باشند.

غزالان برده بودند از میان، میراث مجنون را	جنونم در تصرف گر نمی‌آورد هامون را
هرچه زنی بزنی؛ مزنی طعنه به روزگار من	هرچه روی برو؛ مرو راه خلاف دوستی
قبولی در دل ناقابلم نیست	نشد مقبول مقبولان عالم
نظر بر دیده ناظر ز طلعت منظور	از شرم طبع تو از نیمه راه برگردد
که در غم تو شکستیم توبه‌های نصوح	مگر نصیحت ناصح به ما چه افزاید
کنم آیین مطران را مُطّرا	دبیرستان نهم در هیکل روم

دبیرستان: مکتب / هیکل: خانه ترسایان و نام بتخانه‌ای در روم.

مطران: یکی از مناصب ترسایان. به ترتیب عبارتند از: بطریق، جاثلیق، مطران، اسقف، قسیس = کشیش، شماس.

مُطّرا: تازّه و مصفا.

جناس زاید

یکی از دو واژه، یک حرف در اول یا وسط یا آخر اضافه دارد. بر این اساس به سه دسته تقسیم می‌شود.

جناس مزید

جناس زاید

جناس مُذِلّ

جناس مزید

یکی از واژگان، یک یا دو حرف اضافه در آغاز داشته باشد.

یار از راه خودسری گاهی

زین دیارم به آن دیار آورد

گر تو به مُدارا کنی آهنگ بیابی

بہتر بسی از مُلکتِ دارا به مدارا

اندیشه کن از حال براهیم و ز قربان

و آن عزم براهیم کہ بُرد ز پسر سر

جناس زاید
افزایش حرف در وسط یکی از واژگان باشد.

دیر زی ای رستم دستان به شیرین داستان	شاد باش ای موسی عمران به چابک معجزه
نجویم غزال و نگویم غزل	غزال و غزل هردوان مر تو را
ای وای اگر رام تو آرام برآید	از هیچ دلی رم نکند مهر غزالان

جناس مُذِلّ

حرف یا حروف اضافه در آخر واژه می آید.

ستار بست ستاره، سماع کرد سما

گه ولادتش، ارواح خوانده سوره سور

از مویه تنی چو موی دارد

از ناله چو نال شد ظهوری

گرچه خرد در خطاست، در خط می دار سر تا خط بغداد ده، دجله صفت جام جم

خط بغداد: خط دوم از هفت خط جام: خط جور، خط بغداد، خط بصره، خط آزرَق، خط اشک،
خط کاسه گر و خط فرودینه

جناس قلب

یکی از دو واژه وارونه دیگری باشد و به دو دسته تقسیم می شود:

قلب بعض

قلب کل

قلب بعض
وارونگی و جا به جایی در برخی از حروف رخ بدهد.

چندان مجال نیست که بینم جمال دوست	از بس هجوم کرده به چشمم خیال دوست
سور و سرور آفتش سروری و سریر شد	لذت عشق ذلت خاک نشینی است و بس
خلقی در آتش اند، از این ابر شعله بار	تنها همین نه چرخ مرا داغ کرده است
و آن عامل ارادت در عالم جزا	آن قابل امانت در قالب بشر

قلب کل
یکی از واژگان دقیقاً وارونه واژه دیگر باشد.

ای حورلقا که روح بخشی
هست عاشق، مُتفق با رای یار

زان ناز تو می کشند عشاق
رای او گر کشتنِ عاشق بُود

ترصیع مع التجنیس

تمام یا اکثر کلمات دو جمله یکسان و یکی دو مورد آن جناس تام باشد

بیمارم و کار زار و تو درمانی

کارم زار است

گویم که بر آتشم همی گردانی

مانند گویی هستم که مرا بر آتش می گردانی / می گویم که بر آتش هستم، اگر بتوانی دانست

درسی نبود هر آنچه در سینه بود

بیم آرم و کار زار و تو درمانی

تو را بیم می دهم و با تو می جنگم و تو درمانده می شوی

گویم که بر آتشم همی گردانی

در سینه بود هر آنچه درسی نبود